

جلد ۹۹

دوره نهم

صورت مشروح

تذکرات مجلس

۱۳۹۱ هجری قمری

۱۳ شهریور ۱۳۹۱ - ۲۳ ذی القعدة ۱۳۹۱

قیمت اجزاء (سالانه) ۲۰۰ ریال
قیمت اجزاء (یک شماره) ۲۰ ریال

مطبعه مجلس

شماره مسلسل: ۳۳۴۴

مذاکرات مجلس

صورت و شروع مجلس ۳۰ شهریور ۱۳۱۳ (۲۲ جمادی الاولی ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
- ۲ (شور ثانی و تصویب لایحه راجع برشد متعادلین)
- ۳ (شور ثانی و تصویب لایحه راجع به قنوات)
- ۴ (تصویب دستور لایحه واسترداد یک نفر لایحه از طرف آقای وزیر مالیه)
- ۵ (شور و تصویب لایحه اصلاح قانون بانک ملاحی)
- ۶ (شور و تصویب لایحه اجازه سه فقره اعتبار)
- ۷ (رونق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۱ شهریور ماه را آقای ولید احمدی (رئیس) قرائت نمودند

خبر ک-یون

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - آقای دکتر افغان ادهم

دکتر افغان ادهم - بنده خواستم عرض کنم در جلسه گذشته بنده غالب بوده ام اشتباه شده است رئیس - تحقیق میکنم و اصلاح میشود بنابر دیگری بدست (اظهار شد خبر) صورت مجلس تصویب شد.

۲- شور ثانی و تصویب لایحه راجع برشد متعادلین

رئیس - خبر ک-یون راجع برشد متعادلین قرائت میشود:

در تاریخ چهارم شهریور ماه ۱۳۱۲ ک-یون عدلیه امینی راپورتی تحت شماره ۱۸ بعنوان خبر شور ثانی لایحه شماره ۸۶۵۰ راجع برشد متعادلین به مجلس شورای ملی تقدیم ولی بنا بر تقاضای آقای وزیر عدلیه راپورت مزبور مورد مطالعه و رأی آقای قنای مجلس شورای ملی واقع نگردید و اخیراً بر طبق نظامات داخل خبر مزبور و برای اظهار نظر ک-یون قبل عدلیه به ک-یون ارسال و لذا با حضور آقای وزیر عدلیه

این مذاکرات و شروع نمود و همین جلسه از دوره نهم قنیه

(مطابق قانون ۱۲۰۱)
دایره تدوین و تحریر صورت مجلس

این از اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده:

غالبینین اجازه آقایان: حیدری - ملک مدنی - دکتر احتشام انور - نمازی - اسکندری - عماد سبزواری - فرعی - امیر ابراهیمی - طبرازی - دکتر طاهری - امیدی - ولید قوامی - نواب یزدی - کاظم بیانم - تربیت - اعظم زنگنه - محمدضیائی - ادایی خولعی - دهبیری زنجان - دکتر سنگ اعتبار - دکتر ضیاء - امیر تیمور - قزوینی - اقبال - یونس آقا و هاب زاده پناهی - غریبه زاده - کورس - میرزا - مدلل - پورسرتیب - بیات - باکو ویر آندکلان بی اجازه آقایان: لیهوانی - دکتر ادهم - مسعود کینی - مصطفی - و کلبی - فراگراو

نحت شور و مطالبه فرار گرفته پس از مذاکرات لازمه در اطراف آن بالاخره راپورت شورائی که بون اسبقی عدلیه تأیید و چون جزئی اصلاحی در آن بعمل آمده اینک راپورت آنرا بشرح ذیل تقدیم میدارد:

ماده واحد - از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات با استثناء نکاح و طلاق محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که پس از ۱۸ سال شمسی تمام نرسیده اند اعم از ذکور و اذن غیر رشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اتمام بانجام معامله یا عقد و یا ایقاع بطرفیت مدعی الموم در محاکم ثابت شده باشد - اشخاصی که پس از ۱۸ سال شمسی تمام رسیده اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب میشوند مگر این که عدم رشد آنها بطرفیت مدعی الموم در محاکم ثابت گردد - مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنها است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود - رئیس - آقای طباطبائی دیا

طباطبائی دیا - اولاً بنده می خواستم برای رفع شبهه چون بعضی در خارج همچو تصور کرده اند که این لایحه يك تصرفی است در حد بلوغ در صورتیکه این لایحه تصرف در حد بلوغ نیست بلوغ بر حسب قانون مدنی ما در ذکور پانزده سال تمام است و در اناث نه سال ولی راجع برشد که این لایحه حقیقتاً نظر بر رشد معاملات است غالباً دیده میشود که معاملات تا سن هیجده نرسیده اند رشید میشوند این است که دولت مجبور شده این لایحه را تقدیم مجلس کند و اساساً راجع باین اشکالی نیست و نتیجه این لایحه این است اشخاصی که پس از هیجده نرسیده اند غیر رشید هستند مگر آنکه رشد آنها ثابت شود اگر يك غیر رشید شد قبل از هیجده سال و رفت در محکمه بطرفیت مدعی الموم ثابت کرد که رشید است معامله او بازشکالی ندارد بنده در این قسمت در لایحه اشکالی ندارم صحیح است ولی يك مطالب و خواستم تذکر بدهم به آقای وزیر عدلیه و آن راجع به نکاح و طلاق است در قانون ازدواج اساساً تعیین سن نشده است فقط مسئله استمهاد جسمانی است و در

عقد است و نه ایقاع بلکه تمهید است - این کلمه «معاملات» شامل این قسمت هم می شود بانه يك کسی که سن هیجده سال را هم ندارد آمده ريك تمهیدی کرده و موجب این لایحه این تمهید را باید قبول کنند بانه خوب است آقای وزیر عدلیه توضیحی بدهند که این لایحه شامل تمهیدات هم هست بانه يك مثلاً کسی می رود تمهید می شود انجام عتی را فرض کنید معامله دیگری را از طرف کسی تمهید میکند یا مثال آن آبا این لایحه شامل این نوع تمهیدات هم هست بانه

وزیر عدلیه (آقای صدر) - در این لایحه قسمت اسامی را که آقای دیا بیان کردند البته واضح است و محتاج به تذکر نیست که مسئله رشد غیر از مسئله بلوغ است در قانون شرع و عرف این دو مطلب است و برای معامله کنند هر دو باید ثابت باشد و یکی تنها کافی نیست ولی چون رشد يك حد معینی ندارد ممکن است بر حسب تفاوت سن در اشخاص تفاوت کند که دیرتر یا زودتر رشید بشوند و از این جهت يك اصلی قرار داده شده روی يك تخمین عرفی آن عبارت از سن ۱۸ است - و این اصل مناط است - مقصود رشد عقلی است و رشیدیکه موجب صحت انشاء در معاملات است - اگر اتفاقاً شخصی زودتر رشید شده باشد میتواند اثبات کند و معاملاتش را تجویز میکنند و اگر بعد از هیجده باشد عدم رشد باید اثبات شود یعنی عکس قسمت اولی است و این خیلی واضح است

اما مسئله قانون ازدواج که در ۱۳۶۰ گذشته است در آن قانون بلی چیزی راجع به تعیین سن نیست و آنچه هست راجع برشد جسمانی است او هم يك امری است که صرفاً جنبه نظامانی دارد و ربطی به قانون مدنی و این هیچ ندارد البته همینطور هم باید باشد مادام که رشد جسمانی حاصل نکرده اند پسر یا دختر متناسب نیست ازدواج برای آنها مضر است ولی چون در عمل دچار اشکال میشود این است که گاهی اوراق هویت را مداخلت میدهند این هم یسره به منظور کلی است در هر حال بنده عقیده

دارم و تصدیق دارم که باید تنظیم شود و طوری بشود که مورد اشتهاء و اسباب زحمت برای مردم فراهم نشود ولی عجلتاً آن چیزی که لازم است همان رشد جسمانی است سن هیچ مداخلت ندارد - اما این که فرمودند سن باید تعیین شود راست است بر حسب تخمین خوب است يك سن تعیین شود ولی چون مسئله ازدواج نه تنها در قانون ایران یعنی در قانون شرع بلکه در همه قوانین منحصر نیست مسئله ازدواج به سن بلوغ یا رشد برای معاملات و انشاء ممکن است خود شان هنوز تشخیص صلاح و فساد خودش را ندهد یعنی رشد عقلی نداشته باشند برای ازدواج پسر یا دختر ولی در اینصورت اگر اذن ولی با آنها باشد یعنی تجویز کنند عقد جائز است در خارجه هم اغلب جاها که بنده تحقیق کرده ام اینطور است با اذن ولی باز جائز است بنا بر این برای او هم ممکن است باز يك سن تخمینی قرار داد که کمتر از آن سن هیچ جائز نباشد و در آن حد جائز باشد اگر چه خود آن پسر یا دختر رشد عقلی به معنای این قانون که موجب صحت معاملات و ایقاعات است نداشته باشند

اما راجع به معاملات جزئی که فرمودند معاملات معاطاتی و امثال این ها بیکه اشخاص نابالغ و غیر رشید بمعنای قانون یعنی کمتر از هیجده سال میکنند مقصود این قانون معاملات منتقله است نه معاملاتی که اشخاص ممیز از طرف دیگران می کنند زیرا او بر حسب قانون مدنی هم جایز است و وقتی ممیز شدند معاملاتشان جایز است از طرف دیگری معامله کردن مثل جوانان خیلی کوچک و غیر رشیدی که در دکان پدرش نشسته و ماست و پتیر و چیزهای جزئی خرید و فروش میکنند این اشخاص شاید اگر معامله مستقلی از طرف خودشان میکنند تجویز نمیشد اما وقتی که پدر یا صاحب مال بآنها اطمینان پیدا کردند که صرفه و صلاح آنها را نگاه میدارند و اجازه معامله بآنها دادند این اشکالی ندارد و این قانون او را شامل نیست - مقصود از قانون معاملات است که کسی

مستقلاً از طرف خودش نمیکند نه از طرف دیگری اعم از کلی یا جزئی. مسئله تمهیدات که فرمودند تمهیدات هم از قبیل عقود و ایقاعات است فرقی نمیکند برای اینکه خود عقد و ایقاع هم يك تمهیدی است و قرار دادی است خود قرارداد یعنی تمهید است اعم از اینکه بره یا علیه طرفین باشد یا بره و علیه ذلك. این هم يك عقده است و قانون او را هم شامل است و قانونی ندارد.

رئیس - آقای بروجردی

طباطبائی بروجردی - البته سن چیزی نیست که لب مطلب باشد و بهیچ وجه در عقود مدخلیت ندارد زیرا چه بسا اشخاص که سن هجده سالگی رسیده اند و رشید نیستند و چه بسا اشخاصی که کمتر از سن هجده دارند و رشیدند به عقیده بنده بحسب تجربه و امتحان و آزمایش خوب میشود سن مدرک گرفته شود برای رشد. چون در آبه شریفه هم برای رشد دارد: فان آنتم منهم رشداً فادفوا الیه اموالهم در آنجا هم دارد آنجا هم مناط رشد گرفته و مطلقاً در جمیع معاملات میزان را رشد گرفته. بلوغ هم علامت اجالی و علامتی است که تمام اثر بر آن مترتب نیست. بنده خواستم عرض کنم که عقیده بنده این است خوب بود يك فکر و تأملی در معنای حقیقی رشد بشود و رشداً تشخیص بدهند والا سن مدخلیت ندارد الی ماشاء الله اشخاصی که در سن بیست و يك سالگی و بیست و پنج سالگی هستند و رشد معامله ندارند والی ماشاء الله اشخاصی که کمتر از هجده سال دارند و رشد معامله را دارند. در اطفال خودمان مکرر امتحان کرده ایم و دیده ایم به عقیده بنده خوب بود يك فکری شود که يك معنی و حقیقی برای رشد در نظر گرفته شود در مجلس و قانون شود اما موضوعی که آقای دیبا اشاره کردند بنده عقیده ام این است که در ازدواج حقیقت رشد بیشتر منظور شده است تا در معاملات چرا؟ چون رشد آنجا معنایش این است که از حیث جسمانی و جسمی هم لیاقت ازدواج را داشته باشد چه پسر و چه دختر. در اینجا چون مناط

لیاقت جسمانی است البته بحسب فاعده و وقتی قانون وضع میشود آن لیاقت را هیچکس نمی تواند تشخیص بدهد مگر دکتر. خوب يك دختری که معنای لیاقت را داشت و در نظر دکترم تشخیص دادند ازدواجش خیلی مناسب و مقتضی است والا سن در اینجا بهیچ وجه من الوجوه مدخلیت ندارد چه بسا خترهایی که در سن شانزده سالگی هم لیاقت و رشد ازدواج را ندارند و چه بسا دخترهایی که در سن یازده و دوازده سالگی استعداد جسمانی و جسمی را دارند و به عقیده بنده بسیار قانون خوبی برای ازدواج گذشته و هیچ اشکالی ندارد بلکه آنجا هم اگر بشوایند تعیین سن بشود بدون این که معنای حقیقی رشد در نظر گرفته شود و از حقیقت رشد بگذرند به عقیده بنده در آنجا هم باید مخالفت کرد نه این که بنده بخوام مخالفت کنم بلکه منظورم این است که سن مدخلیت ندارد و برای رشد باید قانون وضع کرد.

وزیر عدلیه - برای تبیین موضوع ضرورت دارد اگر قدری هم مطلب تکرار شود. مسئله رشدهم که فرمودند يك ضابطه کلی برایش تقریباً معین نیست. مورد نظر آقایان بود من عرض میکنم خیلی مشکل است از همه حیث هم ممکن نیست برای يك معنایی که بقول اهل علم مقول به تشکیک است يك حد و ضابطه برای آن قائل شد معنایش بطور اجمال کمال عقل است ولی همان کمال عقل يك مراتبی دارد میرسد بيك مرتبه که ممکن است یکی در دنیا پیدا شود که هیچوقت اشتباه نکند هیچوقت خطا نکند هیچوقت گول نخورد این هم غیر ممکن است و اصلاً پیدا نمیشود هر کس ممکن است نسبت بيك امر بخصوص اطلاعات کافی داشته باشد در آن قسمت ملاحظه منافع و مصالح خودش را بکند ولی در يك قسمتهایی عاجز باشد و نتواند بر رشد بمعنای اخس یعنی کمال عقل مطلق و آن پیدا نمیشود و خیلی کم است و نادر است بنا بر این مقصود ما از آن رشد که میگوئیم یعنی آنچه را که در عرف عقلاً آن عقد و اقرار را کافی

بمیدانند برای معاملات برای این بالضرورة باید يك حد تعیینی قرار داد یعنی حد متوسطی نسبت باشخاص البته ممکن است يك اشخاصی در سن پانزده سالگی يك عقل کامل پیدا کنند و بر عکس اشخاصی هم در سن پنجاه سالگی عقل آن پانزده ساله را نداشته باشند ولی نوعاً و عادتاً می بینیم تا سن هجده سالگی کافی است از برای تشخیص منافع و مصالح امور خودش این است که این سن بر حسب تخمین قرار داده شده و از این جهت است که دو نکته با این اصل رعایت شده یکی اینکه اگر زودتر از سن ۱۸ تشخیص شد او ماهیاتی محکوم به جنون است پس ۱۸ سال مناط حقیقی نیست بلکه کاشف نوعی است و همچنین اگر بعد از هجده اثبات شد عدم رشدش معاملات نافذ نیست این است که باین ملاحظه این يك اصل متناسبی است و در مسئله ازدواج هم عرض کردم که ممکن است قانونش تجدید شود و يك سنی هم برای او معین شود ولی در هر حال باید داللت در آنجا هم رشد مناط است قانون ازدواج هم رشد جسمانی را رعایت کرده رشد عقلی و کمال عقلی غیر از رشد جسمانی است.

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - میخواستم آقای وزیر عدلیه توضیح بفرمایند در قسمت اینکه این قانون تمهیدات قبلی را شامل است یا خیر چند که قانون حکم به اقبال خودش نمیکند ولی بنده لازم میدانم که توضیحی داده شود غرض همین بود.

وزیر عدلیه - صحیح است برای اینکه معاملاتی که قبل شده و تمهیداتی که قبل شده مشمول این قانون نخواهد بود و شامل تمهیدات و معاملاتی است که از تاریخ اجرای این قانون به بعد میشود.

رئیس - پیشنهادی از آقای احتشام زاده رسیده است قرائت میشود.

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده واحده اضافه شود:

تبصره - در نکاح و طلاق متعاقبین باید دارای ۱۵ سال شمسی تمام باشند و اشخاصی که بمن فوق رسیده به نکاح و طلاق اقدام کنند مطابق قانون ازدواج مصوب ۳۱۰ تعقیب خواهند شد.

احتشام زاده - در اثر احتیاج در سال ۱۳۱۰ دولت

ناچار شد قانونی به مجلس آورد که از ازدواج هائی که خارج از استعداد جسمانی است از نظر مصلحت جامعه جلوگیری کند در قانون ۱۳۱۰ مناط استعداد جسمانی در نظر گرفته شده است بدون اینکه يك سن متوسطی برای اشخاصی که واجد استعداد جسمانی باشند منظور شود در عمل این مسئله اسباب زحمت شده است برای اینکه اغلب بواسطه اینکه مشکوک است پس باید به موقع مراجعه کنند بدارت و طبیب قانونی یا اینکه خیال میکنند سنی که دارند کافی است و استعداد جسمانی دارند اقدام ازدواج میکنند در نتیجه وزارت عدلیه مورد را تشخیص میکند که مطابق قانون نیست اشخاص را تعقیب میکند البته مردم هم از نظر اینکه يك سن معین و مشخص در قانون نوشته نشده است مرتکب این اقدام میشوند و عده زیادی دچار زحمت میشوند وزارت عدلیه در عمل يك متحدالماکلهائی در این باب صادر کرده است و يك سنی را تقریباً تشخیص داده که این سن بطور متوسط کافی است که طرفین دارای استعداد جسمانی باشند ولی البته این صورت قانونی و منطبق قانونی ندارد مردم هم بطور قطع تکلیف خودشان را نمیدانند و اغلب دچار زحمت هستند این است که بنده پیشنهاد کردم که اگر چنانچه وزارت عدلیه موافقت داشته باشند و سن پانزده را کافی میدانند برای اینکه اشخاص دارای استعداد جسمانی باشند قبول بفرمایند و اگر هم این را کافی نمیدانند سن دیگری که بشمارشان کافی است که دارای استعداد جسمانی باشند آنرا در نظر بگیرند بنده هم عرضی ندارم.

وزیر عدلیه - خواهش میکنم آقای احتشام زاده عجلتاً پیشنهادشان را پس بگیرند بنده کاملاً منوجه هستم مطالبی را که ایشان پیشنهاد کردند صحیح است ولی باید در جای

خودش و در آن قانون اصلاح شود موضوع ازدواج غیر از موضوع معامله است و خصوصیات دیگری را باید در نظر گرفت در کمیسیون هم که خودشان تشریف دارند آنجا مذاکره و حل میکنیم و داخل در این قسم منتهی شود بهتر است **احتشامزاده** - بنده منظورم توجه آقای وزیر عدلیه بود حالا که متوجه هستند بنده پس میکنم .

رئیس - پیشنهادی از آقای طباطبائی^۱ دیار رسیده است پیشنهاد مینامد ذیل ماده واحده نوشته شود این قانون از اول مهر هذمه المنه اجرا خواهد شد

طباطبائی دیبا - چنانچه عرض کردم چون در اول ماده واحده ذکر شده است تاریخ اجرای قانون مناسب است در ذیل هم تاریخ اجرا معین شود

وزیر عدلیه - تاریخ اجرا بطور کلی داریم در قانون مدنی که بعد از تصویب و بعد از انتشار در مجله در طرف ده روز و در ولایات با اضافه آن مسافت قانونی و حالا هم میل دارند مخالفتی ندارم

اورنگ - بانکر این پیشنهاد در قانون مخالفت باین اصل عزمی میشود

دیبا - بنده اصراری ندارم اگر تابع قانون مدنی باشد عیبی ندارد و بنده از پیشنهاد صرف نظر میکنم

وزیر عدلیه - البته تبع است

رئیس - آقایانیکه با ماده واحده موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد

[۳ - شور ثانی و تصویب لایحه راجع به قنات]

رئیس - خبر شور ثانی از کمیسیون عدلیه راجع بتکمیل قانون قنات قرائت میشود

خبر کمیسیون

پیشنهادات آقایان نمایندگان عزم نسبت بلایحه نمره ۸۸۱۲ راجع با اصلاح ماده ۱۰ قانون قنات و چشمه سارها که ضمن شور اول بعمل آمده و بکمیسیون عدلیه ارجاع شده بود در جلسه اخیر کمیسیون با حضور آقای وزیر عدلیه مورد شور و مطالعه قرار گرفته نظر آنکه به موجب توضیحات

و چون چهل هزار تومان سالانه محل اعتبار هیئت دولته داده شده است و حالا خودشان این مبلغ را لازم دارند باین مناسبت نمنا میکنم که چهل هزار تومان را اجازه فرمایند از محل صرفه چوئی عمومی رد کنیم و بعد البته آن طلب را که وصول کردیم بحساب میآوریم نود هزار ریال هم برای مخارج آقبایی است که به انجمن بین المجلس تشریف میبرند سیصد هزار ریال هم برای کمیسیونهای سرحدی است که اعتباری که در بودجه منظور شده است کافی نیست و باید بر روی آن میزان علاوه شود در این ضمن چون بکفایت از اینها خیلی قوربت دارند این است که نمنا میکنم با قید قوربت باشد و در این جلسه بگذرد يك لایحه را که چندی پیش راجع باینک فلاحی داده بودم فعلاً آن لایحه را مسترد میکنم و در مقابل يك لایحه دیگری در همان زمینه تقدیم میکنم و این را هم با دو قوربت تقاضی میکنم که در همین جلسه تصویب شود.

رئیس - لایحه مربوط باینک فلاحی مطرح است :

ساحت محترم مجلس شورای ملی

بنابر تجارب حاصله از اجرای قانون ۱۷ دیماه ۱۳۱۲ راجع ببعثت اعطای اعتبارات فلاحی و صنعتی یکی از وسائل بسط عملیات بانک و کمک بنوسعه امور فلاحی و صنعت مملکت ایجاد مؤسسات و شرکتهائی از تولید کنندگان اجناس فلاحی و صنعتی تشخیص داده است علی هذا برای تضمین این نظر و تکمیل قانون مزبور ماده واحده ذیل را بایند دو قوربت تقدیم و تصویب آن را تقاضا مینمایید :

ماده واحده - بانک فلاحی و صنعتی ایران مجاز است بمنظور انجام مقاصد مقرر در قانون ۱۷ دیماه ۱۳۱۲ مؤسساتی از تولید کنندگان و همچنین شرکتهائی تاسیس نموده و وسائل مالی آنها را خواه بوسیله شرکت در آنها و خواه بوسیله اعطای اعتبارات که شرایط آن به موجب نظام نامه هیئت وزراء تنظیم خواهد شد ایجاد نماید

رئیس - قوربت مطرح است . (مخالفی نیست) آقایانیکه

با قوربت لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد . قوربت ثانی مطرح است (مخالفی نیست) موافقین با قوربت ثانی لایحه قیام فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده واحده مطرح است . آقای روحی

روحی - این لایحه بعقیده بنده فوق العاده نافع است و شاید بیشتر هم انتظار داشتیم که از طرف دولت يك امیلائی برای بانک فلاحی فراهم شود ولی تا بحال آن طوریکه ما انتظار داشتیم که يك انقلاب فلاحی در مملکت فراهم میکنند و با مردم کمک کنند که مردم هم حاصل خود را عوض کنند سد بینند و قنات کهنه را آباد کنند بالاخره مملکت از این وضع ناگوار فلاحی بیرون بیاید نشده مشکلات طوریت که در دادن پول تارفع نشود فایده ندارد امروزیت اسناد شاید غالباً در اغلب نقاط ایران خود حضرت آقای وزیر مالیه اطلاعاتشان از همه ما ها بیشتر است که آن اندازه ها پیشرفت کرده است که ورقه مالکیت در دست مردم باشد که صاحب ورقه مالکیت به بانک برود و از بانک پول بگیرد حالا با بودن ورقه مالکیت هم چه اشکالاتی میکنند آنها را کاری ندارم آنها را هم بایستی نظامنامه ها را بگذری اصلاح کرد زیرا که در اصل قانون اشکال نیست ولی عقیده بنده بر این است که مال دولت را تا امروز احدی يك دینار نخورده است و همیشه بدی خودشان را چه مالیات که حق دولت است و چه قروض دیگر پرداخته اند حالا اگر يك بانکی و یا يك دست خارجی يك معاملاتی در مملکت کرده و يك مشت ورشکست آمده اند و يك پولهای گرفته اند و اینها لاوصول مانده است و بعد هم بدولت منتقل شده است این غیر از آن است که بگوئیم در فلان جا فلان آدم مال دولت را خورده است و نداده است مردم خودشان را موظف میدانند که آنچه را که میگیرند پس بدهند الان مثلاً کرمان يك ابائی است که در اثر سیل لطمه بزرگی به قناتش خورده و هیچ نوع هم کمک باو نشده

الآن از این بانک و خواهد استمداد کند ورقه مالکیت هم ندارد ثبت هم تازه آنجا شروع شده مالکین آنچه بکنند در صورتیکه آقاییان اطلاع دارند که هر رقم عمود هم در آنجا عمل میاید در بعضی از نقاط کرمان و رودبار و جیرفت کرمان طوری چای تهیه میشود که بهر از چای رشت ولی خوب نمیتواند که این کار را اجرا کنند و بایستی بانها کمک شود بنده عقیده ام این است که صرف اینکه يك کسی يك عایدی نشان داد يك اکیونی نشان داد يك شش دانگ مالك و چهار تا خانه معلوم کرد که تکلف کنند اصل و فرعی را که دولت باو میدهد و مسترد بکند در ظرف چهار سال باین بدهند و برای این ورقه مالکیت تقاضا نکنند برای اینکه اگر باین ترتیب بخواهیم پیش برویم این پول هم در بانک را که میماند و بجزبان نمی افتد و این عقیده بنده است و باین دارم که آقای وزیر بایه هم توجه خواهند فرمود که هر قدر هم باین ترتیب بخواهند برای بانک علاوه کنند بموجب قانونی که دارد این پول هم بتطور را که مانده و مصرف نمیشود چون الآن غیر از طرف رشت و طهران کسی نتوانسته است پول تهیه کند زیرا وسائل نداشته اند و دولت اولیای بانک فلاحی باید رسیدگی کنند و دقت کنند و این پول را بدهند و نظارت کنند که اگر مصرف نکرد و فرغ سدی شش را برد و سدی بیچده گرفت و معامله کرد از این سوءاستفاده ها نکتد و جلوگیری کنند همینقدر گفتش بگمارند و تحقیق کنند و رسیدگی کنند که این پول را کسی که از بانک بگیرد در مقابلش خرج کند و بهصرف دیگری نرساند جز توسعه و ترقی فلاح و زراعت و آبادی املاک زراعتی و اصلاح قنوات یعنی بهمان مصرفی برساند و خرج کنند که نموده است بعقیده بنده با این ترتیب اشکالات رفع میشود دیگر لازم نیست اینقدر سخت گیری بکنند هر کس که رفت و پول گرفت بهصرف دیگری نرساند و اگر رساند هر نوع جریمه که قائل شوند ماها هم موافقیم ولی دیگر اگر ورقه مالکیت نداشته باشد یا چه باید داشته باشد این

اشکالات را مرتفع کنند و اینقدر ابراد نگیرند برای تهمة و ورقه مالکیت و اینها اینقدر اشکالات درست نکنند مثلاً يك نفر میگوید پولی من می خواهم برای قسط سه ساله این همبند که برایش اشکالی تولید شد باز پول جلوتر می خواهد میگویند نمیشود و این را ما آرزوی کسی با تو اراد داد کردیم سه ساله قراردادیم حالا بیشتر می خواهی و برای تقاضای دیگر لازم داری نمیشود و این غفلت ممکن است يك ضرر و زیان عمده به مردم برساند بنده خیلی خوشوقت میشوم و واقعاً مسرورم از اینکه دولت هم توجه دارند که قدری توسعه در امور بانک فلاحی بدهند و يك کشایشی برای مردم این مملکت فراهم کنند ولی این اشکالات را اگر مرتفع می کردند من تمهید می کردم که يك انقلاب فلاحی در ایران شروع میشد و همه میتوانستند از بانک استمداد بخواهند و کمک طلبند و از این عسرت فلاحی مملکت بیرون بیایند زیرا که این مملکت مملکت فلاحی است و اگر يك معادنی برای ما هست فقط از راه فلاح است و بس

وزیر بایه (آقای داور) - همانطور که نماینده محترم در ضمن بیانات خودشان ذکر کردند دولت هم خیلی توجه دارد و خیلی علاقه دارد باینکه در امور اقتصادی هر قدر که ممکن است به مردم کمک بکند و هر قدر هم لازم باشد و لازم بداند بپردازد ولی البته باید اینرا در نظر داشت که يك قدری افکار مردم را باید اصلاح نمود مردم هم باید بخواهند که کار کنند بنده نمی خواهم اینجا از بانک فلاحی دفاع کرده باشم و بگویم که اگر تا بحال يك پول زیادی این بانک قرض نداده است بواسطه این نبوده است که خودش هم گاهی يك احتیاطات خیلی زیادی نکرده است شاید بشود گفت که بانک هم در اول کار خواسته است که خیلی با احتیاط کار کند ولی اساس مسئله این است که بانک يك مقرراتی دارد منجمده در درجه اول این است که این پولی که داده میشود بیک کارهای معینی و بیک مصارف معینی برسد اگر دولتان بخواهد اگر بخواهد که همینقدر هر کس که

بیانك رجوع کرد و يك اعتباری هم نشان داد و پول خواست بانک فلاحی پول بهش بدهد بدون اینکه در نظر داشته باشد برای چه کاری است بنده بشما اطلاع بدهم پولی که عجزاً در حدود دو مایون تومان دارد در فاصله چند هفته تمام این پول از صندوقهای بانک فلاحی بجهت اشخاصی که مراجعه بیانك می کنند انتقال داده می شود ما می خواهیم به بینیم از نقطه نظر اقتصادی این کار کار خوبی است؟ بسیاری از اشخاص در این مملکت عادت بحساب ندارند مردمان بدی هم نیستند بنده ابراد بهشان نمیخواهم بگیرم ولی حساب باد نیستند گناهی هم برای شان نیست فرض میکنند ممکن است بروند با اروپا یا اتومبیل بخرند فرض میکنند که يك مسافرت تفریحی با اروپا بکنند و امثال اینها ولی فکر این را که بعد باید این پول را پرداخت و از چه محلی باید بپردازند این فکرها خیلی در شان وارد نیست خوب حالا باید دید که ما آیا بیائیم و خبر بدهیم و ندا کنیم که بیایند همه مردم و صندوق بانک را هم باز کنیم و این پول را بدهیم که اشخاص بروند از این قبیل مصارف بکنند؟ آیا ما کار خوبی کرده ایم و آیا باقتصاد مملکت کمک کرده ایم؟ با يك اشخاصی که يك خرجهایی می کنند و بعد هم فقر و پریشانی و بدبختی دامنگیرشان شده آیا نباید تعقیب شان کرد؟ کدام یکی را؟ بنده اطلاع دارم يك قسمت از اشخاص وقتی که بیانك مراجعه میکنند بهشان میگویند که حالا شما باید تمهید کنید که این پول را که میگیرید بهصرف اینکارهایی که میگوید برسانید اگر نکنید باید قنزل زیاد تر بدهید و پول قابل مطالبه خواهد بود آقاییان میروند که حساب کنند و مطالعه کنند و جواب بدهند ولی میروند دیگر بر نمی گردند چرا؟ برای اینکه میدانند کار دنبال دارد بسیاری از اشخاص به بنده شکایت کرده اند و بوزارت مالیه رجوع کرده اند و بنده دوسیه آنها را رسیدگی کرده ام دیده ام از اشخاصی هستند که معاضت شان این است که اصلاً بهشان قرض داده نشود

عرض کنم از طرف دیگر بنده هم تصدیق میکنم که خود بانک هم مقداری در اوایل امر خواسته اند احتیاطاتی کرده باشند حالا ساطر در کارها هم شده اند و امیدوارم احتیاطاتی هم که بجا باشد بکنند و احتیاطاتی که دیگر از حد ضرورت تجاوز میکنند آنها را بگذارند کنار راجع به بنده فرض بکنند را هم نماینده محترم فرمودند که نکته صحیحی است مشکل هم هست حلش را هم نباید آسان خیال کرد که قرار گذاشته اند که باید در مقابل مالک ثبت شده قرض داده شود و بسیاری از املاک هم هنوز ثبت نشده است بنده هم تصدیق دارم خوب حالا چه بکنیم؟ هر کس مالکی را متصرف بود و آمد گفت این مالک مال من است باعتبار آن قرض بدهیم یا نه؟ بکنتر مسئولیت اینکار را باید بدهد بگیرد اما باندازه دارائی بانک هم اعتبار داشته باشد که اگر مسئولیت را قبول کرد و ما نتوانستیم از او بگیریم از این شخص بگیریم این شخص کیست آیا پیدا میشود؟ پس چه بکنیم و الا آقا شما خودتان میدانید قبل از گذشتن قانون ثبت اسناد طرز معاملات بین مردم چه بود. قرض میکردند و يك مالکی را هم بطور بیع شرط با قطع میدادند و همه این کارها هم بطور شرعی و عرفی درست انجام میدادند ولی وقتیکه بنای مطالبه می شد آن مالک فیصلاح شده بود دیگر دیگری را مالک میکرد و دنبال این کار باید اسبابها بود آیا می خواهید بانک فلاحی باین صورت بفتند؟ قطع دارم که خود آقا هم حاضر نیستند که بانک خیلی سخاوت بکنند و بی حساب و بدون ورقه مالکیت پول بپردازد اما اینکه ورقه مالکیت در دست اشخاص نیست ولی ما کاشان را ثبت کرده اند این اشکال را میکرد بانک ولی ما در این جا همین منظور را تأمین کرده ایم - مالک وقتی مطابق قانون آنوقت که جریان ثبت خودش را طی کرد و ثبت آن تمام شد ثبت شده محسوب است و ضرورت ندارد که حتماً ورقه مالکیت در دست

باشد بجهت اینکه گاهی پول می کشد جریان کار در ادارات ثبت خوب خود بنده هر عیالیه بوده ام و بیایم مسائل کارشان باندازه کارشان نیست کارشان خیلی زیاد است و بتدریج باید این اسناد را صادر بکنند بنا بر این ما گفتیم مهمترین که از اداره ثبت تصدیق بیارود که جریان اینی آنجا تمام شده آنوقت ما بتوانیم باو فرض بدیم و بانک هم همین را کار را بکند حالا هم بکنند اما بانک هم که به ثبت رسیده و معلوم هم نیست که بعد چه خواهد شد آقا میل دارید باو پول بدهند خود آقا میدهند نه پس البته باید احتیاط کرد حالا برای رسیدن بمقصدی که اظهار کردید یعنی کارهایی بشود و پول بانک هم از بین نرود برای آن این فرمول را اتخاذ کردیم و یک پرکراسی هم در نظر گرفتیم و همچو خیال کردیم که ملک ممکن است ثبت نموده باشد اما اگر یک عده آمدند و با هم شریک شدند (یک عده از اولاد کنندگان یا باصطلاح صاحبان ملک) آنوقت ما بتوانیم بطور خصمانه با آنها فرض بدیم باین ترتیب ما آمدیم و این کار را کردیم که خودمان بیاییم و سرمایه خودمان را بگذاریم مثلاً بیایند شرکتی تشکیل بدهند برای بستن سد باعتبار ملک ملک شامل هزار جور اعتراض و دعوی و قلاط می شود آنوقت بانک نباید بیاید و ضرر بدهد اما ما می توانیم بانک می تواند خودش یک شرکتی تشکیل بدهد و صدی بود از سرمایه اش را هم بدهد و بعد بتدریج پول آقا وصول کند یعنی از عابدانی که مردم میخواهند این سد بسته بشود و آباد بشود و این فرمولی است که در دست کرده ام که هم بتود مقصود این بانک را اجرا کرد و پول را بجرمان انداخته و هم واقفاً مطمئن باشیم و بداییم که این پول بر میگردد صندوق بانک و تصور می کنیم که آقا هم همین اندازه که من خیال می کنم عجله باید قدم برداشته آقا هم موافقت خواهند فرمود که همینطور پیش برویم که از همین راه اقدام کنیم و با وجود این حال بنده عرض میکنم که شاید دو ماه دیگر لازم باشد

اصلاح دیگری درش بشود اگر باز دیدیم که این اقدام منظور را کاملاً تأمین نمیکند فکر می کنیم و می بینیم که در حدود آن نخواهد بیکه اولاً باید در نظر گرفت یعنی آبادانی املاک و اجتناب از فرض کنند در آن حدود به بینم چه طرح دیگری ممکن است بیاریم و مطالعه کنیم - عجلتاً این ترتیبی که در نظر گرفته شد است کاری است که تا حدی باعث بجرمان افتادند پول بانک و آبادی املاک میشود.

عده از باینندگان - صحیح است. مذاکرات کافی است طایبانی بروجرده - بنده مخالفم. رئیس - بفرمائید.

طایبانی بروجرده (آقا میرزا محمد تقی) - بیاناتی که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده تصدیق دارم. در موقعی که آقای وزیر مالیه (عده از باینندگان) آقا قدری بلندتر نمی شنویم (قانون بانک فلاحی را آوردند ما خیلی خیلی خوشوقت شدیم که شخصی مثل آقای وزیر مالیه یک نفر وزیر فعال و کاردان یک قانونی را که بمجلس می آورند در مقام عمل هم مطابق آن قانون رفتار خواهد شد - قانون بانک فلاحی که بمجلس آمد برای چه بود ؟ برای این بود که پس از حصول شرایط و تمهید بمصرف آبادانی و عمران برسد ولی در خصوص املاک ثبتی قدری اشکال در آن حدود فراهم شده بود که این را هم فرمودند که از اداره ثبت سوال بکنند و پس از جریان ثبت بانک قبول کنند و این خیلی خوبست و رفع این اشکال مهم میشود ولی بعد از آن قانونی که معین شد آن جا آقای وزیر مالیه موافقت فرمودند که برای اساس کلیه زراعت های مقبله و برقراری رعیت و آبادانی املاک یک مصارف بشود و بفر آن مصرف نشود. بنده برای بروجرده بانک فلاحی مراجعه کردم و نظامنامه را خواندم و بدقت مطالعه کردم دیدم طریقه که برای حصول جمیع شرایط استقرار بانک تجویزی کند و میدهد فقط بازاء عرض کردن چنان بنده است که بنده بومی به بنده آمریکائی تبدیل شود و آبیاری اضافه بر آن نرود و بنده حاضر در حضور حضرت آقای وزیر مالیه (نظامنامه آن پیش بنده حاضر است) نظامنامه را تقدیم کنم و البته

تصدیق می فرمائید که بانک فلاحی اگر مقصودش تغییر بنده برومی آمریکائی فقط باینست درست بنده امیدوارم البته تصدیق می فرمائید که املاک خصوصاً آن قسمت املاکی که در نقاط آبادانی بود است هنوز امروز هم حال خرابی را تا حدی دارد و در این املاک باید بتدریج رعیت برقرار شود و سکنه درش داخل شود ملک برعیت داده شود که همه قسم زراعت بتواند بکند و انحصار نباید داشته باشد به تغییر بنده و آبیاری کردن. بعد علاوه بر اینها ملک ثبت شده - که این قسمت را فرمودند درست شده از تمام این مراتب گذشته بانک فلاحی بیشتر از صدی می فرض میدهند و از این حد نمی گذارد تجاوز کنند بحیث قیمت ملک - البته بنده تصدیق دارم که ملک ممکن است قیمتش تنزل کند ممکن است ترقی کند ولی این ترقی و تنزل تا چه اندازه خواهد بود ؟ ملک قیمتش صدی ده تنزل میکند صدی بیست تنزل میکند صدی سی تنزل میکند دیگر بیشتر تنزل نمیکند آنوقت چرا صدی سی میدهند یک زارع با مالکی دو هزار تومان قیمت ملکش است میخواهد بیاید ملکش را آباد کند از هزار تومان سیصد تومان باو میدهند و او یک پولی بگیرد و خرج متفرقه میکند و بمصرف نرسد و چیزی دستش نمیکرد در صورتی که این ملک را دولت بپوشش را بدهد تصدیق دارید که از بین نرود و همانطور که آقای روسی فرمودند از زمان مرج و مرج قبل از اعلیحضرت پهلوی بدر در مملکت زمانی نبود در آن زمان هم گرفتند پس چیزی دست مردم باقی نمیکذارند که دولت خائف باشد که بگویند ملک ثبت شده را در بانک فلاحی بگذارند و صدی ده و صدی بیست بگیرند خوب صدی هفتاد یا لااقل صدی پنجاه که نصف قیمت ملک باشد بپردازند بانک فلاحی این ملک ثبت شده را این ملک خریدم شده را نصف پول بدهد و در همه جهات آن نظارت کنند آخر میخواهم املاک آباد شود در تقیض بانک از جهت مهارف آنچه را که فرمودید بنده تصدیق دارم و آن این است که این پول صرف آبادانی املاک بشود ولی تصرف

بدهد لااقل و آخر این حدی می بماند بفرمائید بنده سی هزار تومان ملک دارم بیروم بگذارم بانک فلاحی آنوقت دو هزار تومان عووض چیز این و آن بکنند بالاخره ملک هم مثل سایر جهات این مملکت که ۱۰۰۰ چیزش عووض شده باید عووض و آباد شود ولی ملک از زمان حضرت آدم تا بحال بیگ وضع باقی مانده است همان کار و بنیم است و همان کندی و رعیت بدبخت بخرم کنیم را نمیتواند عووض کند یک اعتباری داده شود برعیت که هر چه میخواهد بتواند پنجاه تومان فرض کند و جوانی رعیتی بگیرد باعتبار ملک ثبت شده و الا آن جوانی را که فرمودید معتزیم و خیلی هم تاضیف داریم که آقای وزیر مالیه ووقتی که در وزارت عدلیه مشرف بداشتند مخصوصاً در جنته یک روز وقت میدادند بنمایند کاین شرایط بپوشند و عراضشان را عرض میکردند ولی در مالیه که اشرف برده اند آن وقت را هم ندیدند و کارها همینطور بود.

وزیر مالیه - بنده امیدوارم فرمایشاتی که آقا کردید برای قیمت آخرش و برای رفع ملتگی بود (خنده) باینندگان) حالا چون از آخر شروع کردم جواب این قسمت را اول عرض کنم که بطوری که در جدول سابق می بینیم و در جدول یک ساعت را همین کنم و حالا بگردم برای این است که در جدول قبل گرفتارم خیلی زیاد تر است و وقت بگذرد چون این هر دو قسم آنگاه کار داشته باشند فرمایشی داشته باشند اما منتهای شده است (طایبانی بروجرده - در جنته یک ساعت بفرمائید) برسیم باصل مطلب بنده عرض کردم در قسمت ملک ثبت شده و چه بود - بنده برقرار نگاهداریم و بالاخره ملک ثبت شده باشد و عرض کردم که سهولانی کردیم و لازم نیست در وقت مالکیت حتماً در دست داشته باشد و بالاخره از این گفتیم که اگر نوشت اعتراض دارد ولی اعتراض را دیدید محدود بحدود است و لااقل ملک صد هزار تومان قیمتش است و پنجاه هزار تومان قیمتش است یک کسی آمدیم استماع اعتراض کردیم است سینه یک خرپا بر اینهاست دلیل ندارد که شما ندیده باشید بر نظر بگیرد

که پس از وضع این بک خریدار باقیست حقیقتی می آید
 یا نه ولی بک طلاهی را فروخته که در لابند باید است
 اشتباه را بشودم بدم برای اینکه اگر است اشتباه را
 به آقا بدم بک قدری برنده تا کار است (طباطبائی
 بروجردی - غیر بنده حاضر) بنده تصور میکنم آن
 قدری را که از فروخته که در مرات و بانک این است که
 فقط برای تبدیل پنجاه رومی با بریکالی و آبشاری فرض
 بدهند این را تصور می کنم اشتباه فرود آمد و تویرانی
 که از نظایند فرود آمد اشتباه است اگر بک بودی را
 بیارخ دارند که گفته اند آقا ما فرض بدهیم برای اینکه
 شما نه پنجاه رومی را به پنجاه اسیریکالی تبدیل میکنند و
 او برای آبیاری است به بنده اطلاع بدهید که توضیح بخوام
 (طباطبائی بروجردی - کتباً کاغذ دارم) او اراجع بودی
 سی بک طرانی را اگر بگیریم خیلی صحیح است اول اغلب
 مسائل دنیا که اگر بک طرف مساله را نگاه کنیم بسیار
 منطقی و حسابی است ولی بک طرف دیگر مسائل اغلب
 دور شده است که قابل بحث است و من حالا آن طرف
 دیگر را بگیرم آقا بفرمایند بک و بکلی را ثبت کرده اند
 و جان بک کسی هم که بیند و بکلیت را صادر کرده باب
 و سبده و سبک کارها را هم کرده حالا تازه باو بگیریم صد
 سی بگیریم خوب آقا صدی هفتاد صدی شصت صدی پنجاه را
 بگیریم و دهند آقا البته بنان دارند آن روزی که باید این
 و بک بفروشی برسد چون باید این فرض را هم کرد که
 و بک را آورده است و من داده است و قوه داده است اگر
 در موقع تیر دزد باید و بک را بفرماید بفرود و پولش را
 وصول کند آقا بفرماید دارند که آن روزی که بنای مزایده
 شد بک در شصت در صد بفروشی برسد شما باید بک
 قدری در و با بالایی که در ثبت استاد میشود وقت بفرماید
 ببینید اشخاصی که بک میزند و با او میکنند وقتی که
 بنای مزایده میشود و شتری تا چه حد پیدا میشود و بکلی
 در فلان نقطه از برای حاجتی روی حسابی فلانقدر
 قیمت دارد بنده میخواهم و بک شوم قیمت دارد و روی

همان هم تصور میکنند ولی آرزوی که میخواهند این را
 بدانی کنند پول آنوقت باید دید چند میخرند بکلیت هم
 نمیخرند هر قدر هم بک بزرگتر باشد مخصوصاً کز میخرند
 بک و بکلی که صد هزار تومان قیمتش باشد در مزایده
 بتواند پنجاه هزار تومان بفرماید این از وارد نادری است
 که باید تاریخ گذاشت همان صد هزار تومان ممکن است
 بک و شتری پیدا کنند صد و ده هزار تومان ولی در مزایده
 پنجاه هزار تومان کز اتفاق می افتد بنا بر این بانک ناچار
 است علاوه بر این بنده از آقا بپرسیم شما بک هزار
 تومانی را بک زدید که بصد تومان پول بدهند بنده
 بگیریم با بصد تومان در بک هزار تومانی خیلی کار ما
 میشود کرد بصد تومان برای هزار تومان بک بک آبدی
 خیلی زیادی است و بکلی که بفرماید سی هزار تومان
 قیمت دارد و ده هزار تومان بدها بدهند بنده عرض
 میکنم با ده هزار تومان شما نمیتوانید ملکشان را آباد کنید
 و حالا بدها راه همان بدهم با ده هزار تومان ملکشان را
 آباد کنید تا حدی که با ده هزار تومان میشود آباد کرد
 این و بک را در این حدود آباد کنید و قیمت بک شما
 بیشتر میشود آنوقت تشریف بیاورید برای بقیه ای بگیرند
 در کار ما باید بک حد اعتدالی را انسان قابل بشود به افراط
 و به تفریط بنده و خیال میکنم به زانست همین حدی را که الان
 بانک در نظر گرفته است روی همین رفتار میکنیم
 بهتر است اشخاص هم روی همین ترتیب مواظق کنند و
 این حرف هیچ مانع از این نیست که واقفاً بک بگیریم
 و خروج را مطالبه کنیم و بجای صد سی بشود صد چهل
 ولی بیخی از اینها و بکلیت نیست و حقیقت بنده عقیده
 ندارم برای اینکه تجربه نشان داده است بنده دیده ام در
 ثبت استاد که وقتی بنای مزایده رفتن بک و بکلی شده
 است چند کم مزایده شده است و آنوقت بی احتیاطی
 خواهند کرد و بانک فلاجی هم مال همه است و نباید
 گذاشت که سرمایه اش ضرورت بک پیدا کند و بود
 دنبال و شتری برویم و پیدا بشود و بود از چند بک

فلاجی عبارت باشد از بک طلبکاری که بصداری مالک غیر
 منقول در دست دارد.

چندی از نمایندگان - کافی است

رئیس - آقابانی که با ماده واحده موافقت دارند
 ورقه بفرستند خواهند داد.

(اخذ آراء بعمل آمده ۸۰ ورقه بفرستند تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۸۷ نفر
 با کبریت ۸۰ رأی تصویب شد.

۱ - فوراً تصویب لایحه سه فقره اعتبار برای کمپولهای
 سرحدی و مخارج نمایندگان کنگراس بین الممالس
 و کمک بمالکین و زارعین

رئیس - لایحه دیگر

ساحت محترم مجلس شورای ملی

نظر بانکه سال قبل وضع محمول شاهپور خوی و
 قسمت داده ما کز رضایت بخش بوده در اواخر سال
 گذشته ۱۵۰ هزار ریال و در اوایل هذه السنه مبلغ
 ۱۰۰ هزار ریال بمالکین و زارعین آنجا کمک و ارض
 داده شده است ولی چون مقتضی است برای چهار صد
 هزار ریالی که از اعتبار هذه السنه دولت برای کمک
 بمالکین و زارعین مذکور داده شده است اعتبار مخصوص
 همین و چهار صد هزار ریال باعتبار دولت رد شود نظر
 بانکه مقرر است چند نفر نماینده از طرف مجلس
 شورای ملی در کنگراس بین الممالس که در هذه السنه
 در اسلامبول انعقاد می باید حاضر شوند و برای ذهاب
 و ایاب و مخارج ایام توقف نمایندگان مذکور و سایر
 مخارج مربوطه بانمایندگی آنها مبلغ نود هزار ریال اعتبار

لازم است نظر بانکه مقصد مزبور برای اعتبار هذه السنه
 مخارج کمپولهای سرحدی برای مخارج کمپولهای که
 تا اکنون بمسرحیات اعزام شده با تقریباً اعزام میشود
 کافی نیست لهذا ماده واحده ذیل پیشنهاد و تصویب آرا
 نمایی پیشنهاد

ماده واحده - مجلس شورای ملی سه فقره اعتبار جدید
 بمبلغ ۷۹۰۰۰۰ ریال بمسرحیات از محل صرفه چواریهای
 بودجه ۱۳۱۳ ملکی تصویب پیشنهاد

۱ - برای کمک و مساعدت بمالکین و زارعین مساحات
 شاهپور - خوی و بعضی از نقاط دیگر ایالت غربی آذربایجان
 ۱۰۰۰۰۰ ریال

۲ - اعتبار برای مخارج ایاب و ذهاب و مخارج ایام
 توقف و سایر مخارج نمایندگان که از طرف مجلس شورای
 ملی برای حضور در کنگراس بین الممالس در اسلامبول
 اعزام میشوند ۹۰۰۰۰۰ ریال

۳ - اضافه اعتبار برای مخارج کمپولهای سرحدی که
 بر اعتبار بودجه در جزء ۲ قسمت ۸ بودجه ۱۳۱۳ ملکی
 علاوه میشود ۳۰۰۰۰۰۰ ریال

وزارت مالیه مجاز است مبلغی را که از اعتبار ۱۳۱۳
 مخارج غیر از قبضه دولت برای کمک و مساعدت بمالکین و
 زارعین شاهپور و خوی و نقاط دیگر ایالت غربی آذربایجان
 تأدیه نموده است از اعتبار مزبور برگشت داده و بخرج
 اعتبار مذکور در فوق بگذارد.

رئیس - اوربیت مطرح است. مخالفی نیست (گفته
 شد خیر) آقابانی که با فوراً تصویب موافقت دارند ایام فرماید
 (اغلب نمایندگان برخاستند)

- ایمانی رأی دهندگان - آقابان - هزار جریبی - بک بود - طراچی - دکتر بهرامی - ارکانی - کنگرانی - دکتر ادهم
 طهرانی - کفالی - کاظم - اردی - حاج تقی آقا وهاب زاده - موم - کمال - حنیف میرزا دولتمانی - احتشام زاده - محبت
 لیوانی - رهنما - طباطبائی بروجردی - دکتر سنک - دهنم سنک - دهبانی - دکتر فتح - دکتر ابراهیم - سعادت - بخشیر
 قهری - کیخسرو طاهرخ - میرزالی - مولوی - دکتر احتشام - دادود - قهری - حاج میرزا حسنخان امینقاری - دهبانی
 حاج محمد رضا بهانی - روحی - برجانی - دهستانی - فقیر قزوینی - دکتر آقاسان - میرزا طاهرخان وکیلی - حاج میرزا حسنخان قاضی
 انصاری - بیات - لاریجانی - برآت امینقاری - منصف - دکتر ملک زاده - جویبیدی - طالبی خان - مسعود قاضی - اورنگ - قاضی
 فریخت - میرزا پاسی - حاج ملا محمد علی - سلطانی - فروزی - پارسا - صد کاظم بزوی - حبیبی - طباطبائی دیبا - بشکدار
 ملک زاده آبدلی - حمزه قاضی - صفاری - زدهی - محمد آقا مهدوی - محمد خان فراگرو - دکتر سعیدی - دکتر نزل ابغ
 قهری - میرزا احمدی - شاهپوری - میرزا حسن ساکینیان - میرزا محمد خان وکیل - آقا رضا مهدوی - خواجوری

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است. آقای ارباب
ارباب کیخسرو - بنده میخواستم عرض کنم همانطور که در مقدمه تذکر داده بودند بعنوان قرض و کمک و اینجا اعتبار میخواهند از بانک آبا این اعتبار بعنوان قرض و کمک خواهد بود یا اینکه صورت دیگر دارد؟
ولیر مالیه - بنده گمان میکنم در توضیحی که در موقع تقدیم لایحه دادم این قسمت را عرض کردم که این قرض داده شده از اعتبار دولت و حالا میخواهیم این چهل هزار تومان را بگیریم که دولت بتواند از اعتبار خودش بدهد معامله بوده است و شده است البته يك مبلغ آنچه که از سال گذشته داده شده است از باب این بوده است که چیزی پس گرفته نشود از برای تهیه کتدم و تهیه آذوقه آنجا ولیکن جزء اعطای قرض بوده است که باید برگردانیم

یعنی طلب هیئت دولت را رد کنیم بعد خودمان از اهالی خواهیم گرفت و حساب میکنیم جمع از نمایندگان - کافی است.
رئیس - آقایانیکه با این قانون موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد.
 (اخذ آراء بعمل آمده ۶۷ ورقه سفید تعداد شد)
رئیس - عده حاضر در موقع اعلان رأی ۷۸ نفر با کثرت ۶۷ رأی تصویب شد
 [۷ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - اگر اجازه بفرمائید جلسه را ختم کنیم (صبح است) جلسه آینده سه شنبه ۳۰ شهریورماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوابیح موجوده.
 [مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد]
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع بوشد متعالمین

ماده واحده - از تاریخ اجرای این قانون در مورد کلیه معاملات و عقود و ایقاعات با استثناء نکاح و طلاق محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی باید کسانی را که پس از ۱۸ سال شمسی تمام فرسیده اند اعم از ذکور و اناث غیر رشید بشناسند مگر آنکه رشد آنها قبل از اقدام بانجام معامله یا عقد و یا ایقاع بطرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت شده باشد اشخاصی که پس از ۱۸ سال شمسی تمام رسیده اند در محاکم عدلیه و ادارات دولتی و دفاتر اسناد رسمی رشید محسوب میشوند مگر اینکه عدم رشد آنها بطرفیت مدعی العموم در محاکم ثابت گردد مناط تشخیص سن اشخاص اوراق هویت آنهاست مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.
 این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه سیزدهم شهریور ماه یک هزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

تکمیل قانون قنوات

ماده واحده - ماده ذیل در تحت نمره ۱۰ تصویب و بقانون راجع بقنوات تصویب ۶ شهریور ماه ۱۳۰۹ اضافه میشود.
 ماده ۱۰ - هرگاه اشخاص متعدد در رودخانه ویا نهی ویا چشمه ویا قناتی برای مشروب ساختن از انسانی معینی حقیقه داشته باشند ویک یا چند نفر از آنها بخواهند از حق مزبور برای مشروب نمودن زمین دیگری بقتیر بجزای اختصاصی استفاده کنند شرکاء دیگر آب یا بجزی حق مانع نخواهند داشت مشروط بر اینکه از این اقدام ضروری متوجه اشخاص قبح نشود.
 در مورد این ماده اهل خیره معین میکنند که چه مقدار آب ویا چه مقدار از زمان استفاده باید بملک استفاده کردن از آب در حقیقه باین ترتیب شود مگر اینکه در تعیین مقدار مزبور بین شرکاء اختلافی موجود باشد.
 این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه سیزدهم شهریور ماه یک هزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

تکمیل قانون بانک فلاحی و صنعتی ایران

ماده واحده - بانک فلاحی و صنعتی ایران مجاز است بفظور انجام مقصد مقررده در قانون ۱۷ دی ماه ۱۳۱۲ مؤسسانی از تولید کنندگان و همچنین شرکتهائی تأسیس نموده ووسائل مالی آنها را خواه بوسیله شرکت در آنها و خواه بوسیله اعطای اعتبارات که شرایط آن بموجب نظامنامه هیئت وزراء تنظیم خواهد شد ایجاد نماید.
 این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه سیزدهم شهریور ماه یک هزار و سیصد و سیزده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

هفتصد و نود هزار ریال اعتبار برای سه ققره مخارج اضافی

ماده واحده - مجلس شورای ملی سه ققره اعتبار جدید ببالغ هفتصد و نود هزار ریال شرح ذیل از محل صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۱۲ ملکی تصویب بشاید:
 ۱ - برای کمک و مساعدت بانکین و زارعین صافحات شاهپور و توی و بعضی از قاطا دیگر ایالت لرستان آذربایجان
 ۴۰۰۰۰۰ ریال

اسامی رأی دهندگان - آقایان: حاج غلامحسین ملک - میرزا یاسی - مژدهی - نوخت - حسنعلی میرزا دولتشاهی - ایقوانی ارکائی - طباطبائی ویا - احتشام زاده - شریلی - دوستانی - دکتر ادهم - میرزائی - درانی - کیخسرو شاهرخ - طالب خان دستگیر بهرامی - مهرانچی - تقیالامانی - مولوی - مؤید احمدی - لورنگ - حسن آقا مهدوی - افندی - حبیبی - یار - ملک زاده آملی - سهرابخان ساکینان - جیدیدی - حمزه تاش - دبیر سهرابی - صفاری - دکتر فرنی الملق - میرزا علیخان وکیلی شاهرودی - خواجوری - دکتر لندان - آقا رضا مهدوی - سرد کاظم زردی - مغیر فرزند - میرزا موسی خان مرآت - دکتر ملکزاده مرآت - افندی - یاک - کلف - ناصری - دکتر احتشام - دادور - مصطفی - دستانی - هدایت - مهدوی خراسانی - التار جرجانی - لاریجانی - معیط - دکتر شیخ - رهنا - سلطان - کلانی - مقدم - دکتر امیراحمد - دکتر سنک - مصمم - سنک - کمالی - روحی - هزار جریسی

- ۲ - اعتبار برای مخارج ذغال و اباب و مخارج ایام توقف و سایر مخارج نمایندگانی که از طرف مجلس شورای ملی برای حضور در کنفرانس بین المللی در اسلامبول اعزام میشوند
- ۳ - اخذ اعتبار برای مخارج کسب و تنهائی سرحدی که بر اعتبار مندرج در جزء ۲ قسمت ۸ بودجه ۱۳۱۳ ملکین علاوه میشود

۹۰۰۰۰ ریال

۲۰۰۰۰۰ ریال

۷۹۰۰۰۰ ریال

وزارت مالیه مجاز است مبلغی را که از اعتبار ۱۳۱۳ مخارج غیر مترقبه دولت برای کمک و مساعدت به مالکین وزارتین شامپور و محوی و نقاط دیگر ایالت لرزی آذربایجان تادیه نموده است از اعتبار مزبور برگشت داده و بخرج مذکور در فوق بگذارد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه سیزدهم شهریور ماه یکهزار و سیصد و سیزده شمس بصوب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر